

Islamic Knowledge and Insight

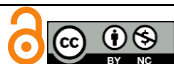
Enjoining Good and Forbidding Evil in Iranian Law: Challenges and Ambiguities

1. Farideh Khalilpour Qopuz: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran
2. Yaghoob Pourjamal*: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Email: pourjamal@iaut.ac.ir)
3. Saeid Hassanzadeh Delgosha: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract

Enjoining good and forbidding evil is one of the fundamental branches of Islam and a foundational principle of the Islamic Republic of Iran, explicitly recognized in the Constitution and in statutory laws such as the *Law on the Protection of Commanders of Good and Forbidders of Evil* (2015). Despite this legal acknowledgment, the implementation of this religious duty in society faces numerous challenges and ambiguities, primarily stemming from its potential conflict with fundamental individual rights such as dignity, life, property, residence, occupation, and privacy. The purpose of this study is to examine the legal status of enjoining good and forbidding evil, to analyze its deficiencies, and to propose solutions for resolving existing legal ambiguities. The research employs a descriptive-analytical and qualitative approach, with data collected and analyzed from legal documents including the Constitution, the Islamic Penal Code, the *Law on the Protection of Commanders of Good and Forbidders of Evil*, authoritative Islamic jurisprudential sources, and relevant scholarly articles. The findings indicate that despite the legislator's efforts to protect those who perform this duty, concepts such as "individual rights" and "privacy" remain insufficiently defined and can lead to subjective interpretations and potential misuse in the enforcement of this religious obligation. Therefore, revising statutory provisions and clearly delineating exceptions and explicit instances are necessary to ensure both the correct and effective implementation of enjoining good and forbidding evil and the protection of individuals' rights and human dignity.

Keywords: *Enjoining good and forbidding evil, Law on the Protection of Commanders of Good and Forbidders of Evil, privacy, individual rights, human dignity, Constitution of Iran.*



How to cite: Khalilpour Qopuz, F., Pourjamal, Y., & Hassanzadeh Delgosha, S. (2026). Enjoining Good and Forbidding Evil in Iranian Law: Challenges and Ambiguities. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(1), 1-22.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 26 June 2025

Revise Date: 01 November 2025

Accept Date: 08 November 2025

Publish Date: 21 April 2026

معرفت و بصیرت اسلامی

امر به معروف و نهی از منکر در حقوق ایران و چالش‌ها و ابهامات مربوط به آن

۱. فریده خلیل پور قوپوز: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲. یعقوب پورجمال*: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (پست الکترونیک: pourjamal@iaut.ac.ir)
۳. سعید حسن زاده دلگشا: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر یکی از فروع اساسی دین اسلام و از اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران است که در قانون اساسی و قوانین عادی مانند «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴» مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این، اجرای این فریضه در جامعه با چالش‌ها و ابهاماتی مواجه است که عمدتاً ناشی از تعارض احتمالی آن با حقوق بنیادین افراد نظیر حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی جایگاه حقوقی امر به معروف و نهی از منکر، تحلیل نارسایی‌ها و ارائه راهکارهایی برای رفع ابهامات قانونی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و کیفی بوده و داده‌ها از طریق مطالعه اسناد حقوقی شامل قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از آمران و ناهیان، منابع فقهی معتبر و مقالات علمی جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با وجود تلاش قانونگذار برای حمایت از آمران و ناهیان، مفاهیمی مانند «حقوق اشخاص» و «حریم خصوصی» همچنان تعریف شفافی ندارند و می‌توانند منجر به برداشت‌های سلیقه‌ای و سوءاستفاده در اجرای فریضه شوند. بنابراین، بازنگری در مواد قانونی و تعیین موارد استثنا و مصادیق روشن ضروری است تا هم اجرای صحیح و مؤثر امر به معروف و نهی از منکر تضمین شود و هم از تعرض به حقوق و کرامت انسانی افراد جلوگیری گردد.

کلیدواژه‌گان: امر به معروف و نهی از منکر، قانون حمایت از آمران و ناهیان، حریم خصوصی، حقوق اشخاص، کرامت انسانی، قانون اساسی ایران.

شیوه استناددهی: خلیل پور قوپوز، فریده، پورجمال، یعقوب، و حسن زاده دلگشا، سعید. (۱۴۰۵). امر به معروف و نهی از منکر در حقوق ایران و چالش‌ها و ابهامات مربوط به آن. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۴(۱)، ۱-۲۲.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۵ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۰ آبان ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ آبان ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

مقدمه

فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان بنیادین نظام فقهی و سیاسی اسلام است که از آن به‌عنوان ضامن بقاء، پویایی و تعالی جامعه‌ی اسلامی یاد می‌شود. این فریضه افزون بر بُعد عبادی و اخلاقی، واجد ماهیتی دوگانه است؛ بدین معنا که از یک سو، تکلیفی شرعی و عمومی بر عهده‌ی همه‌ی مؤمنان دارد که ریشه در اصل ولایت مؤمنان بر یکدیگر دارد، و از سوی دیگر، ابزاری در اختیار حاکمیت اسلامی برای تحقق عدالت اجتماعی و اجرای حدود الهی محسوب می‌شود.

با وجود جایگاه رفیع این فریضه در متون دینی و تأکید صریح اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت اجرای آن به‌عنوان وظیفه‌ای متقابل میان مردم و دولت، در عرصه‌ی اجرا و قانون‌گذاری با چالش‌ها و آسیب‌های حقوقی متعددی روبه‌رو است. مهم‌ترین چالش در این میان، تعارض میان ماهیت تکلیف عمومی فقهی و الزامات حقوقی نظام قانون‌گذاری مدرن است. فقه اسلامی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر در سه مرتبه‌ی قلبی، زبانی و عملی (یدی) تأکید دارد و در صورت فقدان مفسده، اجرای مرتبه‌ی عملی را نیز برای عموم مسلمانان مجاز می‌داند؛ اما ماده‌ی ۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (مصوب ۱۳۹۴)، هرگونه اقدام عملی را از عموم مردم سلب و به نهادهای دولتی واگذار کرده است. این رویکرد از منظر فقه سنتی، می‌تواند به‌منزله‌ی تضییع حق تکلیف شرعی تلقی شود و نیازمند توجیهی فقهی فراتر از قواعد عرفی و قانونی است.

چالش دیگر، به ابهام در تعیین قلمرو و جرم‌انگاری معروف و منکر بازمی‌گردد. در قوانین کیفری، مرزهای دقیق معروف و منکر - به‌ویژه در امور غیر از واجبات و محرمات - مشخص نشده است و این امر، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و در نتیجه، حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان را با دشواری و ابهام مواجه ساخته است. در کنار این چالش‌ها، خلأ نظری در تبیین فقهی محدودسازی‌های قانونی نیز وجود دارد. تاکنون کمتر پژوهشی به تحلیل این مسئله از

منظر حقوقی پرداخته است. در اندیشه‌ی امام خمینی، فقه حکومتی بر پایه‌ی مصلحت نظام اسلامی و اختیارات گسترده‌ی ولی فقیه در چارچوب نظریه‌ی ولایت مطلقه استوار است. از این منظر، تحدید برخی مراتب فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، نه از باب تعطیل فریضه، بلکه از باب دفع مفسده، حفظ نظم عمومی و تأمین مصالح جامعه‌ی اسلامی قابل توجیه است. بدین ترتیب، می‌توان قانون‌گذاری و تحدید مراتب این فریضه را نوعی تنظیم مصلحت‌گرایانه‌ی رابطه‌ی میان فقه و حقوق عمومی دانست. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر فقه و حقوق ایران در پی آن است که نشان دهد چگونه تحدید و سازماندهی مجدد فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند بر پایه‌ی مبانی فقهی و در پرتو جرم‌انگاری مصلحت‌گرایانه، از توجیهی مشروع و عقلانی برخوردار شود.

پیشینه پژوهش

در زمینه فرضیه امر به معروف و نهی از منکر، پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های فقه و حقوق ایران انجام شده است. این مطالعات با هدف بررسی جایگاه این واجب الهی، چارچوب‌های قانونی آن و چالش‌های عملیاتی مربوط به اجرای آن، تحلیل‌های مختلفی ارائه کرده‌اند.

ولی زاده و دولت (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان آسیب‌شناسی «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» با نظر به اصل هشتم قانون اساسی انجام داده‌اند. آنها بررسی کردند که پس از تصویب این قانون در سال ۱۳۹۴، انتظار می‌رفت که اجرای اصل هشتم قانون اساسی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر تقویت شود. با این حال، پژوهش نشان داد که قانون تصویب‌شده تنها یک بعد این اصل را - حمایت از آمران و ناهیان - پوشش می‌دهد و سایر ابعاد اجرای امر به معروف و نهی از منکر را نادیده گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که، هرچند قانون در حمایت از آمران و ناهیان موفق عمل کرده، اما نواقص و مشکلات متعددی دارد که مانع تأثیرگذاری کامل آن شده است. از جمله این نواقص می‌توان به

ضعف محتوایی، نگاه محدود به گستره امر به معروف و نهی از منکر، ضعف ساختار اجرایی، ناکارآمدی ترکیب اعضای ستاد مرکزی، عملکرد ضعیف ستادهای استانی و فقدان ضمانت اجرایی اشاره کرد. پژوهشگران نتیجه گرفتند که این عوامل اصلی باعث شده‌اند قانون نتواند به طور مؤثر فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه رواج دهد و نیازمند بازنگری و اصلاحات ساختاری و محتوایی است (Valizadeh & Dowlat, 2024).

عطارزاده و جهانگیرپور، (۱۳۹۷). پژوهشی با عنوان نقش پلیس در تعارض میان رعایت حقوق شهروندی با قاعده‌ی نهی از منکر انجام دادند. نویسندگان در این پژوهش به بررسی تعارض میان اجرای قاعده‌ی نهی از منکر و رعایت حقوق شهروندی، به ویژه حریم خصوصی، با تمرکز بر نقش پلیس پرداخته‌اند. آنها تأکید کردند که نهی از منکر یکی از فرایض بزرگ اسلامی است، در حالی که رعایت حریم خصوصی نیز از مصادیق مهم حقوق شهروندی به‌شمار می‌رود و در قرآن و سنت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و کاربردی بوده و اطلاعات از منابع اسنادی گردآوری شده است. پژوهشگران با مطالعه تطبیقی آیات، روایات و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جواز ورود به حریم خصوصی شهروندان برای اجرای نهی از منکر، مناسبات میان این دو امر را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که در حالت تعارض بین نهی از منکر و حرمت حریم خصوصی، اولویت با رعایت حریم خصوصی افراد است و ورود به حریم خصوصی تنها در شرایط استثنایی و با وجود مصلحت بزرگی مانند حفظ نظام یا دین و با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مجاز است (Attarzadeh & Jahangirpouri, 2018).

طلابکی و اصلانی، (۱۳۹۴). پژوهشی با عنوان بازخوانی مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر با نگاهی به حقوق بشر معاصر انجام داده‌اند. آنها تأکید کرده‌اند که این فریضه دینی، علاوه بر جایگاه گسترده در آیات و روایات، توسط فقها به عنوان ابزاری برای مقاومت علیه حکومت‌های استبدادی، ایجاد نظام اسلامی و حفظ و

دوام حکومت نیز شناخته شده است. با وجود الزام اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اجرای این واجب همگانی، پژوهش نشان می‌دهد که کارگزاران نظام و اندیشمندان حقوقی هنوز به طور کامل اهداف و جایگاه حقوقی این فریضه را درک نکرده‌اند و افکار عمومی نیز زمینه لازم برای مطالبه و اجرای آن را ندارد. هدف اصلی مقاله سه‌گانه است: نخست، بازخوانی و نقد دیدگاه‌های ارائه شده درباره مبانی عقلی امر به معروف و نهی از منکر؛ دوم، نشان دادن اهداف مشترک این فریضه با نهادهای حقوقی معاصر؛ و سوم، اثبات جایگاه برتر امر به معروف و نهی از منکر نسبت به نهادهای حقوق بشری معاصر به دلیل داشتن مبنای موجه دینی و عقلی. پژوهشگران معتقدند که تبیین مبانی حقوقی این فریضه می‌تواند علاوه بر تحقق اهداف یاد شده، الگویی عقلی و عملی برای سایر جوامع اسلامی و انسانی جهت تضمین ارزش‌های قانونی و اخلاقی ارائه دهد (Tullābaki & Aslani, 2015).

خیری (۱۳۹۴). پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر انجام داده است. در این پژوهش نویسنده به بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر پرداخته است. وی تأکید کرده است که با وجود تصویب این قانون و ابلاغ آن در روزنامه رسمی، برخی نواقص موجب شد رئیس‌جمهور درخواست توقف اجرای آن را مطرح کند، اما نهایتاً شورای حل اختلاف اجرای قانون و رفع نواقص آن را تأیید کرد. این مطالعه با رویکرد جامعه‌شناختی، امر به معروف و نهی از منکر را به طور کلی و قانون حمایت از آمران و ناهیان را به طور خاص مورد تحلیل قرار داده است. خیری بر اهمیت توجه به عناصر کنش‌گرایانه و ساختارگرایانه، اقتضانات اخلاقی و قانونی در روابط بین فردی و نظارت عمومی و غلبه فقه فردگرایانه تأکید دارد. همچنین، وی یادآور شده است که نظام ارزش‌مدار اسلامی به احساس مسئولیت‌های فردی اهمیت می‌دهد و در عین حال، اجرای قانون باید زیرساخت‌ها و ساخت‌های اجتماعی را نیز در نظر بگیرد تا

چندانی ندارد؛ زیرا قانون‌گذار به صورت پیشینی، رفتارهای مجرمانه را بر اساس مصالح اجتماعی تعیین کرده است (Ardebili, 2010). از منظر فقهی نیز، جرم در فقه امامیه تعریف مستقلی ندارد و بیشتر بر اساس نوع مجازاتی که شرع برای آن مقرر کرده، شناسایی می‌شود (Asghari, 2013). برخی فقها، جرم را مخالفت با اوامر و نواهی شرع و عملی دانسته‌اند که موجب تباهی فرد یا جامعه می‌گردد و از سوی شارع برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین شده است (Gorji, 1993). در حقوق موضوعه، ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) جرم را «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد» می‌داند. بدین ترتیب، در معنا و مفهوم علمی، جرم رفتاری است که در تعارض با ارزش‌های بنیادین جامعه قرار گرفته و از سوی نظام حقوقی یا شرعی، مستحق واکنش کیفری شناخته می‌شود.

معنای معروف و منکر

در تبیین معنا و مفهوم «معروف» و «منکر»، دیدگاه‌های گوناگونی در منابع فقهی و تفسیری مطرح شده است. گروهی از اندیشمندان، دایره‌ی معروف و منکر را صرفاً به واجبات و محرمات محدود دانسته‌اند (تفتازانی، بی تا: ۵۸۰)، در حالی که برخی دیگر، مستحبات و مکروهات را نیز در شمول این دو مفهوم قرار داده‌اند (Fazel, 1989). افزون بر این، در تحلیل ماهیت معرفتی این دو واژه، منابع تشخیص آن‌ها، یعنی شرع و عقل، نیز مورد توجه قرار گرفته است (Raghib Isfahani, 1983).

علامه طباطبایی، با نگاهی جامع‌تر، «معروف» را هر آنچه هماهنگ با ذائقه و وجدان جمعی انسان‌ها و در جامعه پذیرفته و مرسوم باشد، تعریف می‌کند و آن را متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت اخلاقی و سنت‌های پسندیده می‌داند: «فالمعروف یتضمن هدایة العقل و حکم الشرع و فضیلته الخلق الحسن و سنن الابد» (Tabatabaei Mo'tameni, 1991). بر این اساس، مرجع تشخیص معروف، علاوه بر شرع و عقل، عرف اجتماعی نیز محسوب می‌شود.

اجرای امر به معروف و نهی از منکر به شکلی مؤثر و هماهنگ با جامعه انجام شود (Kheiri, 2015). پژوهش حاضر با تمرکز بر امر به معروف و نهی از منکر در حقوق ایران و چالش‌ها و ابهامات مربوط به آن نسبت به پیشینه مطالعات انجام‌شده دارای تفاوت‌ها و نوآوری‌هایی است. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به بررسی فقهی (Tullabaki & Aslani, 2015) یا نقش نهادهای اجرایی مانند پلیس در تعارض با حقوق شهروندی (Attarzadeh & Jahangirpouri, 2018) پرداخته‌اند، یا صرفاً به تحلیل جامعه‌شناختی و آسیب‌شناسی قانون حمایت از آمران و ناهیان (Kheiri, 2015) محدود شده‌اند، این مطالعه به صورت جامع به تحلیل قانونی امر به معروف و نهی از منکر، چالش‌های اجرایی آن، ابهامات حقوقی ماده ۵ قانون حمایت از آمران و ناهیان و همچنین برخورد با حریم خصوصی و حقوق افراد پرداخته است. از نقاط قوت این پژوهش می‌توان به یکپارچگی نگاه فقهی و حقوقی، بررسی دقیق مواد قانونی و ارجاع به مراتب فقهی امر به معروف و نهی از منکر، و ارائه تحلیل انتقادی در مورد ابهامات و محدودیت‌های قانونی اشاره کرد که می‌تواند به اصلاح قوانین و بهبود اجرای این فریضه در نظام حقوقی ایران کمک کند.

تعاریف مفاهیم

جرم

جرم مفهومی چندبعدی است که تعریف آن بسته به رویکرد علمی و رشته مورد مطالعه متفاوت می‌باشد. در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی، تعریف جرم مبتنی بر روش‌های تجربی و استقرایی بوده و جرم به مثابه پدیده‌ای اجتماعی، روانی و زیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا علل ارتکاب و شیوه‌های پیشگیری از آن شناسایی شود (Abdulmun'im, 1995). اما در حقوق کیفری، که بر محور قانون استوار است، تعریف جرم با چالش‌های جدی روبه‌روست و جنبه‌ای قراردادی و مصنوعی پیدا می‌کند. به تعبیر اردبیلی (۱۳۸۹)، در حقوق کیفری، تعریف یا عدم تعریف جرم تأثیر

نقش آموزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را در سیاست جنایی تحت تأثیر قرار دهد (Rajabzadeh, 1992).

معنای امر و نهی

در مورد معنای «امر» و «نهی» باید توجه داشت که، هرچند در لغت، «امر» به معنای «واداشتن» و «نهی» به معنای «بازداشتن» است و در آن نوعی برتری و سلطه‌ی آمر و ناهی مشاهده می‌شود، مفهوم این دو واژه در مبحث امر به معروف و نهی از منکر با مراتب آن پیوند خورده و معانی جدیدی از آن‌ها استخراج شده است. به طور معمول، سه مرتبه برای امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است: قلبی، لسانی و یدی.

مرتبه‌ی «قلبی» در نگاه برخی اندیشمندان، جزو لوازم ایمان محسوب شده و قابلیت اعمال امر و نهی را ندارد (Nouri, 1996). اغلب این مرتبه، به صورت ابراز در چهره‌ی انسانی تفسیر شده است. در مرتبه‌ی «لسانی»، صرف دستور دادن یا بازداشتن افراد از انجام کاری، به معنای امر و نهی محسوب نمی‌شود، بلکه شامل نصیحت، تشویق و راهنمایی‌های کلامی نیز می‌گردد. در مرتبه‌ی «یدی» که در برداشت عمومی غالباً محدود به اعمال قهری مانند ضرب و جرح و حتی قتل تلقی شده است، برخی فقها دامنه‌ی وسیع‌تر برای آن قائل شده‌اند؛ از جمله فعالیت‌هایی چون تسهیل ازدواج جوانان، ساخت مدارس و اماکن عمومی، انتشار کتب سودمند، ایجاد فرصت‌های شغلی و سایر اقدامات اجتماعی که نشان‌دهنده‌ی قدرت و نفوذ مثبت فرد در جامعه است (Nouri, 1996).

بنابراین، نوع برداشت از امر و نهی در هر یک از این مراتب و جواز یا عدم جواز اعمال آن‌ها، نقش و کارکرد فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را در سیاست جنایی اسلامی تعیین و تحت تأثیر قرار می‌دهد.

امر به معروف و نهی از منکر

در فروع دین مبین اسلام، امر به معروف و نهی از منکر جایگاه ویژه‌ای دارد و در حقیقت، بیانگر حق و تکلیف همه‌ی افراد در مداخله در امور اجتماعی و عدم سکوت در برابر انحرافات اجتماعی

در نتیجه، جایگاه فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی اسلام، بسته به گستره‌ی مفهومی این دو اصطلاح، می‌تواند متفاوت تبیین شود. چنانچه معروف صرفاً بر واجبات و منکر تنها بر محرمات دلالت داشته باشد، کارکرد این آموزه در سیاست جنایی اسلامی محدود به رفتارهای الزامی خواهد بود؛ اما در منطبق رفتاری سیاست جنایی اسلام، دامنه‌ی این دو مفهوم فراتر از این حدود بوده و مستحبات، مکروهات و حتی مباحات را نیز دربر می‌گیرد (Khomeini, 2022).

از آنجا که محوریت سیاست جنایی، به‌ویژه در چارچوب فقه و علوم اجتماعی، بر هنجارها و نابهنجارها استوار است، بررسی ارتباط معنایی میان «معروف» و «منکر» با این مقولات برای تعیین دامنه، قلمرو و کارکرد فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر ضروری به نظر می‌رسد. در علوم اجتماعی، اگرچه تعاریف متنوعی از هنجار و نابهنجار ارائه شده است، اما دو ویژگی اصلی در مفهوم هنجار مورد تأکید قرار می‌گیرد: اول، مقبولیت و پذیرش اجتماعی و دوم، ارزشمندی رفتاری یا ذاتی. به بیان دیگر، رفتارهایی که مورد پذیرش و تأیید جامعه قرار گرفته و ارزش‌های اجتماعی را بازنمایی می‌کنند، «هنجار» و رفتارهایی که از دید اکثریت جامعه ناپسند و مغایر ارزش‌ها تلقی می‌شوند، «نابهنجار» نامیده می‌شوند.

با این حال، هرچند «هنجار» و «نابهنجار» تا حدی با مفهوم «معروف» و «منکر» همپوشانی دارند، اما تفاوت معنایی مهمی میان آن‌ها وجود دارد. معروف معرف خوبی، نیکی و ضرورت انجام کاری است، اما لزوماً دلالتی بر مقبولیت اجتماعی آن ندارد. به همین ترتیب، منکر بیانگر قبح یا زشتی عملی است، اما ضرورتاً به معنای عدم پذیرش اجتماعی آن نیست. بنابراین، در طراحی الگوی سیاست جنایی اسلامی، اگر محور تحلیل، هنجار و نابهنجار قرار گیرد، بین معروف و منکر تمایز و تفاوت وجود دارد، هرچند نوعی همپوشی نیز مشاهده می‌شود. حتی در صورتی که محور تحلیل را احکام پنج‌گانه فقهی قرار دهیم، برداشت محدود یا گسترده از معروف و منکر می‌تواند

است. بر اساس این اصل، تمامی افراد موظف‌اند که در مواجهه با ناهنجاری‌ها و انحرافات شخصی یا اجتماعی، چه از سوی افراد عادی و چه از سوی حاکمان و کارگزاران، ساکت نمانده و در صورت وجود شرایط مناسب، دیگران را به نیکی‌ها هدایت و از بدی‌ها بازدارند (Izadehī, 2011). این فریضه، یکی از ابزارهای مهم در کنترل و تحدید قدرت در فقه سنتی شیعه به شمار می‌آید.

برای دستیابی به درکی دقیق از معنای امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا شناسایی ریشه‌های واژگانی آن ضروری است. واژه‌ی «امر» از ماده «أ م ر» به معنای طلب یا درخواست است که شامل ابراز اراده و خواست از طریق گفتار، نوشتار، اشاره و سایر شیوه‌های مشابه می‌شود. صرف میل یا رغبت بدون ابراز آن، مشمول عنوان امر نخواهد بود. همچنین، در تبیین مفهوم امر، اختلاف نظر وجود دارد که آیا شرط صدق عنوان امر، برتری و علو مرتبه‌ی آمر است یا صرف صدور درخواست از فرد عالی‌رتبه کفایت می‌کند. بر اساس این تحلیل، تقاضای شخص پایین‌رتبه از بالاتر، «استدعا» و تقاضای همسانان «التماس» نامیده می‌شود.

واژه‌ی «نهی» مشتمل بر حروف «ن، ه، ی» است و در لغت به معنای بازداشتن است. از منظر اصطلاحی، نهی عبارت است از درخواست یک فرد صاحب مقام بالاتر از فرد پایین‌رتبه برای خودداری از انجام عملی، به گونه‌ای که این درخواست با کلمه نهی یا مشتقات آن بیان شود. علاوه بر آن، «معروف» از ماده «عرف» و به معنای شناخته‌شده و شناسانده‌شده گرفته شده و ریشه در معرفت و عرفان دارد (Afram al-Bustani, 1997).

در اصطلاح، امر به معروف به معنای فرمان دادن به هر کاری است که حسن آن از منظر عقل و شرع قابل شناسایی باشد و نهی از منکر به معنای بازداشتن از کاری است که حسن آن مورد شناسایی عقل و شرع نباشد یا عقل و شرع آن را قبیح بدانند (Fīrūzābādī, 1963). اگرچه تعبیرات متعددی در منابع مختلف برای این دو فریضه ارائه شده است، اما مجموع این تعابیر، معنایی یکسان و فراگیر را نشان می‌دهد (Jurjani, 1998). در منابع کلامی و فقهی، یکی از

محورهای مشترک، گستره معروف و منکر است؛ به گونه‌ای که در شمول آن بر واجبات و محرمات هیچ تردیدی نیست، اما در شمول مستحب و مکروه، اختلاف نظر وجود دارد.

امربه‌معروف و نهی از منکر می‌تواند در قالب موعظه، نصیحت یا اقدامات عملی تحقق یابد، و بنابراین شامل هر نوع اقدام، خواه با گفتار و خواه با کردار است که به تحقق معروف کمک کرده و از وقوع منکر جلوگیری کند (Najafi, 1972). برخی از فقها بر این باورند که این فریضه باید از موضع برتر و آمرانه انجام شود؛ به طوری که صرف توصیه و خواهش، کفایت نمی‌کند و نمونه آن، امر به نماز خواندن و ترک شراب است (Mousavi Khomeini, 2005). همچنین، تعلیم دادن افراد جاهل گرچه مستقیماً با عنوان امر به معروف و نهی از منکر متفاوت است، اما با همان ملاک واجب شناخته شده و در منابع حدیثی به آن اطلاق شده است: «إنما يؤمر بالمعروف وینهی عن المنکر مومن فیتعظ أو جاهل فیتعلم» (Majlisi, 1983; Mesbah Yazdi, 2001).

بر این اساس، از منظر اسلامی و با نگرش جامعه‌گرایانه، همه اعضای جامعه مسئول رفتار یکدیگر شناخته می‌شوند و تربیت همگانی افراد، زمینه‌ساز تحقق مصالح و سعادت دنیوی و اخروی است. از این رو، نقش امر به معروف و نهی از منکر در هدایت و حفظ نظم اخلاقی و اجتماعی جامعه برجسته و حیاتی است.

مصلحت

واژه‌ی مصلحت یکی از اصطلاحات پرکاربرد و کلیدی در حوزه‌های سیاسی و حقوقی است که نقش مؤثر و راهبردی در تحلیل و تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کند. در لغت، مصلحت به معنای علت یا منبع چیزی خوب و مفید است و در متون انگلیسی غالباً به عنوان منفعت عمومی ترجمه می‌شود، هرچند مفاهیمی نظیر خیر عمومی، رفاه همگانی و سعادت عام نیز به آن نزدیک‌اند. ریشه‌ی لغوی مصلحت از واژه‌ی صلح گرفته شده و در برابر فساد قرار دارد؛ واژه‌نامه‌های عربی، آن را ضد فساد تفسیر کرده‌اند. استفاده از واژگان هم‌خانواده مانند خیر، صلاح، سعادت، منفعت و خوشایند

نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی و تداخل معنایی مفهوم مصلحت است و این امر در منطق و اصطلاح‌شناسی به‌عنوان جایگزینی لفظی در نظر گرفته می‌شود (Motahari, 1996).

برای روشن شدن مفهوم مصلحت، تعریف صرف کافی نیست و نیاز به ساحت‌شناسی وجود دارد تا بتوان در زمینه‌های مختلف، مصلحت را تشخیص و تمییز داد. برخی پژوهشگران با الهام از گفتمان‌های میشل فوکو، لاکلاو و شنتال موفه، بر لزوم شناسایی واژگان با توجه به گفتمان زاینده‌ی آن‌ها تأکید کرده‌اند (Eftekhari, 2005).

دیگران مصلحت را در سه ساحت فلسفی، کلامی و فقهی-حقوقی بررسی کرده‌اند. در ساحت فلسفی و کلامی، مصلحت می‌تواند ذاتی یا عرضی باشد و غالباً با خیر یا هدف نهایی مترادف در نظر گرفته می‌شود؛ تمایز بین این دو ساحت به باورمندی متکلمان نسبت به خدا و ارتباط مصالح با احکام دینی بازمی‌گردد. در ساحت فقهی و حقوقی، مصلحت عمدتاً با جلب منفعت و دفع ضرر تعریف می‌شود و می‌توان آن را معادل مفهوم (Expediency) دانست. در این معنا، مصلحت به‌عنوان روشی برای حفظ پایه‌های اساسی و دستیابی به اهداف نهایی عمل می‌کند و کاربرد آن وابسته به نگرش به مفهوم کلی شریعت یا قانون و اهداف آن است. هرچند در قوانین و آموزه‌های مصلحت‌گرایانه متعدد، کاربرد مصلحت متنوع است، ماهیت غیرضابطه‌مند آن موجب چالش‌هایی در اجرا و تفسیر می‌شود (Farah Bakhsh, 2013).

جرم‌انگاری

تعریف‌های متعددی از جرم‌انگاری ارائه شده است که در میان آن‌ها می‌توان تعریف زیر را به‌عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین تعریف برشمرد: «جرم‌انگاری یا جرم‌دانستن قانونی، فرآیندی است که طی آن یک فعل یا ترک فعل به‌واسطه‌ی قانون و مقررات کیفری مشمول ضمانت اجرای جزایی می‌گردد» (Derakhshān, 2007). بر اساس این تعریف، جرم‌انگاری فرایندی است که نتیجه‌ی آن افزودن عنوان کیفری به رفتارهای نوین در چارچوب نظام حقوقی موجود می‌باشد. ماهیت و مراحل این فرآیند با توجه به نظام سیاسی و حقوقی

هر کشور متفاوت است و هر کشور با توجه به روش تصویب قوانین و مقررات خود، مراحل خاصی را برای جرم‌انگاری رفتارها طی می‌کند. در ایران، این فرآیند می‌تواند از طریق تقدیم لایحه قانونی به مجلس یا در خلال تصویب قوانین و مقررات متعدد صورت پذیرد. به‌عنوان مثال، در جریان تصویب لایحه‌ی قانونی پیش‌فروش مسکن، مجلس می‌تواند ثبت‌نشده‌ی رسمی قرارداد پیش‌فروش را جرم‌انگاری نماید. بنابراین، منظور از شمول قانون جزا بر رفتارها صرفاً ممنوعیت قانونی آن‌ها نیست، بلکه شامل هر نوع مقررات کیفری می‌شود.

پیش از واکاوی مفهوم جرم‌انگاری، آشنایی با مفهوم جرم ضروری است. جرم مفهومی انتزاعی و پیچیده است که رشته‌های مختلف علوم انسانی تلاش دارند آن را شناسایی نمایند و تعریف آن وابسته به راهکار علمی هر رشته است (Alizadeh Eshkalak, 2006). به همین دلیل، تعریف‌های ارائه شده در این حوزه تنوع فراوان دارند. به‌طور نمونه، در حقوق کیفری جرم به معنای فعل یا ترک فعلی است که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۰: ۷۸)، در حالی که در جرم‌شناسی، جرم رفتاری است که سرشتی نامطلوب در محدوده نظام کیفری داشته باشد و این رفتار می‌تواند به شدت نامطلوب یا گاه غیرقابل تشخیص باشد. از آنجا که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در زمان‌ها و جوامع مختلف تفاوت دارند، جرم مفهومی غیرقطعی و متغیر یافته است. بدین ترتیب، میان مفهوم جرم در حقوق و فرآیند جرم‌انگاری رابطه‌ی لازم و ملزوم برقرار است؛ جرم‌انگاری بدون جرم، معنا ندارد و جرم نیز بدون فرآیند جرم‌انگاری تحقق نمی‌یابد.

مبداء پیدایش جرم، همان فرآیند جرم‌انگاری است که طی آن قانونگذار با توجه به هنجارها و ارزش‌های بنیادین اجتماعی و بر اساس مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعل را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر می‌دارد (Aghababaei, 2005). این ضمانت اجرایی، پاسخ رسمی دولت به رفتار مجرمانه از طریق حقوق کیفری است و شدیدترین دخالت در قلمرو آزادی‌های فردی محسوب می‌شود (Mahmoudi, 2006). به

نپذیرد، مشابه یک ساختار بی‌نظم و آسیب‌پذیر است و در نهایت با از هم گسیختگی و نابودی مواجه خواهد شد.

۲- ولایت مومنان بر یکدیگر

یکی از ابعاد ویژه مسئولیت اجتماعی که اسلام بر حفظ آن تاکید می‌کند، مبتنی بر ولایت مومنان نسبت به یکدیگر است. این ولایت به گونه‌ای است که تمامی مسلمانان، فارغ از منصب یا موقعیت‌شان، تحت پوشش آن قرار می‌گیرند و حق و تکلیف متقابل نسبت به یکدیگر برای آنان به رسمیت شناخته می‌شود.

ولایت مذکور، مستقل از سایر ولایت‌های شناخته‌شده در شریعت است، مانند ولایت پدر بر فرزند یا ولایت امام معصوم (علیه‌السلام) بر جامعه. با این حال، این بدین معنا نیست که هیچ ارتباطی با دیگر ولایت‌ها ندارد؛ بلکه در صورت تعارض با ولایت امام (حاکم)، ولایت امام برتر است، هرچند در چنین شرایطی ولایت مومنان نقش مستقلی نخواهد داشت. در واقع، اساسی‌ترین پایه فریضه امر به معروف و نهی از منکر، نوع خاصی از ولایت است که شریعت اسلامی میان اعضای جامعه به رسمیت شناخته است. اهمیت این امر در متون فقهی و کلامی نیز دیده می‌شود؛ بسیاری از منابع ابتدا به ولایت مومنان پرداخته و سپس فریضه امر به معروف و نهی از منکر را متفرع بر آن مطرح کرده‌اند. در آموزه‌های اسلامی، کسانی که دین اسلام را پذیرفته و اصول آن را باور دارند، مومن نامیده می‌شوند. قرآن کریم در سوره توبه، آیه ۷۱، امر به معروف و نهی از منکر را برای مومنان مطرح می‌سازد. مطهری در توضیح این آیه بیان می‌کند که این دو عمل ناشی از علاقه ایمانی بوده و به همین دلیل عبارت «یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» بدون فاصله و در پی ولایت ایمانی مومنان آورده شده است (Motahari, 1992).

بررسی سابقه تقنینی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر

در بررسی جایگاه قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر در جمهوری اسلامی ایران، ضروری است که مصادیق «معروف» و «منکر» به طور دقیق و شفاف در چارچوب قوانین موضوعه تعریف

بیان دیگر، جرم‌انگاری اقدامی است که طی آن حکومت، با اقتدار خود و رعایت قوانین و ضوابط مربوط، برای رفتارهای معین وصف کیفری تعیین کرده و نتیجه‌ی غیرقابل اجتناب آن، مشخص نمودن کیفر برای رفتار منتخب است.

مبانی امر به معروف و نهی از منکر

مبانی امر به معروف و نهی از منکر شامل مسئولیت اجتماعی انسان، ولایت مومنان بر یکدیگر می‌باشد.

۱- مسئولیت اجتماعی انسان

انسان موجودی مدنی‌الطبع است و بدون تعامل با دیگران، ادامه حیات وی ممکن نیست. اگرچه برخی موجودات نیز اجتماعی‌اند، انسان تنها موجودی است که با اراده و تدبیر عقلانی زندگی اجتماعی خود را سامان می‌دهد. زندگی اجتماعی علاوه بر مزایا، می‌تواند مخاطراتی جدی به همراه داشته باشد، زیرا شخصیت انسان متأثر از تعاملات اجتماعی اوست و شقاوت یا بدبختی ممکن است ناشی از عملکرد دیگران باشد. از منظر اسلام، سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر پیوسته است؛ افراد حتی اگر کارهای نیک انجام دهند اما نسبت به اعمال ناپسند دیگران بی‌تفاوت باشند، به گفته متون دینی، تبعات اعمال سوء دیگران شامل آنان نیز می‌شود (رجب‌زاده، ۱۳۷۱: ۷۸). سکوت در برابر رفتار ناپسند دیگران نوعی تایید غیرمستقیم محسوب می‌شود.

برای روشن‌تر کردن این مفهوم، رسول خدا (ص) انسان‌ها را به مسافرین یک کشتی تشبیه کرده‌اند که سلامت آنان وابسته به سلامت کشتی است و هیچ فردی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. بر این اساس، آموزه‌های اسلامی، گوشه‌نشینی فردگرایانه را ناپسند و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ضروری می‌داند. نمونه‌ای از اهمیت این آموزه، توصیه رسول خدا به سعد بن اشجع است که با انزوآوری قصد هدایت داشت؛ پیامبر به او فرمود: «هنگامی که با انسان‌ها آمیزش نداری، چگونه امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دهی؟» (Nuri, 1987). بنابراین، جامعه‌ای که مسئولیت اجتماعی را

مشارکت مردم در حفظ ارزش‌های دینی و اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد.

امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی

در بررسی جایگاه «امر به معروف و نهی از منکر» در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل هشتم قانون اساسی به‌عنوان مبنای قانونی و شرعی این فریضه، نقش محوری دارد. این اصل، که به‌صراحت در مقدمه قانون اساسی آمده است، بر پایه آموزه‌های دینی و خواست عمومی مردم، نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور را بر اساس اصول و قوانین اسلامی قرار داده است (Valizadeh & Dowlat, 2024).

اصل هشتم قانون اساسی تصریح می‌کند که «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای عمومی و متقابل است که بر عهده کلیه مردم نسبت به هم، دولت نسبت به مردم و تمامی مردم نسبت به دولت می‌باشد و شرایط، حدود و کیفیت آن را قانون مشخص می‌سازد». این متن، علاوه بر تأکید بر همگانی بودن فریضه، بر لزوم تعیین ضوابط اجرایی آن از سوی قانون‌گذار نیز تأکید دارد (Ismaili, 2009).

در راستای این اصل، قوانین متعددی در جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است که به تبیین و اجرای «امر به معروف و نهی از منکر» می‌پردازند. از جمله این قوانین، می‌توان به «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» مصوب ۱۳۹۴ اشاره کرد که با هدف حمایت از افرادی که در راستای اجرای این فریضه اقدام می‌کنند، تدوین شده است (Valizadeh & Dowlat, 2024).

بر اساس این قوانین، «امر به معروف» به معنای دعوت به خوبی‌ها و نیکی‌ها و «نهی از منکر» به معنای جلوگیری از کارهای زشت و ناپسند است. این دو مفهوم در متون دینی به شدت مورد تأکید قرار گرفته و به‌عنوان وظیفه‌ای اجتماعی برای مسلمانان معرفی شده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص در اصل ۸، به موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره شده است. همچنین،

در منابع فقهی، این مفاهیم بر اساس حکم شرع و عقل شناخته می‌شوند (Qorbani Lāhījāni, 2000). با این حال، در حقوق موضوعه، به‌ویژه در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴، این مفاهیم به‌صورت قانونی تعریف شده‌اند. ماده ۱ این قانون تصریح می‌کند که «معروف و منکر عبارتند از هر گونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به‌عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد».

این تعریف قانونی نشان‌دهنده انطباق شرع و قانون در تعیین مصادیق معروف و منکر است. در جمهوری اسلامی ایران، با نظارت شرعی گسترده در فرایند تقنین، فرض بر این است که هر آنچه جلوه قانونی پیدا می‌کند، منطبق با شرع خواهد بود. بنابراین، تبیین قانونی این مفاهیم به معنای حرکت غیرشرعی نیست.

با توجه به نسبت مفهومی معروف و منکر و تطبیق‌پذیری آن‌ها با تحولات اجتماعی، در مواردی که شارع مقدس به بیان صریح مصادیق معروف و منکر پرداخته است، مرجع تعیین آن‌ها مشخص است؛ اما در سایر موارد، قانون‌گذار می‌تواند مصادیق را در امور مستحدثه و نوین که پیشینه‌ای در منابع اصلی حقوق اسلامی ندارند، تعیین نماید. ماده ۲ قانون مذکور نیز امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان «دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر» تعریف کرده است.

بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد که معروف و منکر همواره یک معنا و مفهوم ثابت دارند. این دو، مفاهیمی اجتماعی هستند و مانند دیگر نهادها و تاسیسات اجتماعی، مشمول تحول و دگرگونی می‌شوند، مگر آنکه فرض شود جامعه‌ای ثابت و بدون تغییر وجود دارد که در عمل، نادر و غیرواقعی است.

در راستای حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴، ضمانت‌های اجرایی و کیفری را برای حمایت از این فریضه اسلامی پیش‌بینی کرده است. این قانون با هدف تقویت نظارت اجتماعی و

این فریضه وجود دارد. برخی از پژوهشگران بر این باورند که «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» به صورت متمرکز و شفاف در قوانین و مقررات عادی و لوایح مجلس و دولت و نهادهای دیگر دیده نشده است و به طور پراکنده در برخی از قوانین و مقررات آمده است (Valizadeh & Dowlat, 2024).

در نهایت، با توجه به تحولات اجتماعی و نیاز به انطباق با شرایط روز، لازم است که مصادیق معروف و منکر در قوانین و مقررات به صورت دقیق و شفاف تعیین شوند تا از تداخل و سوء تفاهم‌های احتمالی جلوگیری شود.

بر اساس قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب‌های مختلف قانونی و اجرایی مورد توجه قرار گرفته است. این توجه هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای کشور بازتاب یافته است. برخی از مصادیق و مستندات قانونی به شرح زیر است:

۱. قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی (۷ آبان ۱۳۶۰)

قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۷ آبان ۱۳۶۰، در ماده ۳ خود به تعریف «انجمن اسلامی» پرداخته است. این ماده بیان می‌کند که انجمن اسلامی هر واحد اداری، آموزشی، صنفی، صنعتی یا کشاورزی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان واحد که هدف آن شناختن و شناساندن اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ و گسترش انقلاب اسلامی باشد». در این تعریف، هدف اصلی انجمن‌های اسلامی، ترویج و گسترش ارزش‌های اسلامی و انقلابی در محیط‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی است. در ادامه، این قانون به حقوق و مسئولیت‌های گروه‌های مذکور پرداخته و فعالیت آن‌ها را مشروط به عدم ارتکاب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون دانسته است. این ماده از قانون، مبنای قانونی برای فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی در راستای اهداف انقلاب اسلامی و ترویج ارزش‌های دینی در جامعه به شمار می‌رود.

قوانین خاصی در این زمینه در دیگر متون قانونی و فقهی کشور وجود دارد که مشخصات و حدود این اقدامات را تعیین می‌کند.

اجرای این قوانین دارای ضوابط و شرایط خاصی است. بر اساس نصوص قانونی، این وظیفه می‌تواند از طریق نهادهای اجتماعی، دولت و حتی افراد عادی جامعه انجام شود. اما انجام این امر باید با رعایت حقوق دیگران و بدون ایجاد مزاحمت و آسیب به آن‌ها صورت گیرد. در نهایت، بررسی قوانین «امر به معروف و نهی از منکر» در حقوق ایران نیازمند توجه به ابعاد فقهی، اجتماعی و حقوق بشری است. ایجاد توازن بین رعایت این احکام الهی و حقوق فردی شهروندان می‌تواند چالشی جدی برای قانون‌گذاران و مجریان قانون باشد.

امر به معروف و نهی از منکر در قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه دینی و اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای دارد. این اصل در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت که شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند» (Kheiri, 2015).

با توجه به اهمیت این فریضه، در سال ۱۳۹۴، «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون با هدف حمایت از افرادی که در راستای اجرای این فریضه اقدام می‌کنند، تدوین شده است. ماده ۱ این قانون تصریح می‌کند که «هر شخص حقیقی یا حقوقی حق ندارد در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کند»

در این راستا، برخی از مقامات اجرایی نیز اقداماتی برای ترویج و تقویت این فریضه انجام داده‌اند. برای مثال، در سال ۱۳۸۳، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر تحت نظر مقام معظم رهبری تأسیس شد تا نظارت و هماهنگی‌های لازم را در این زمینه انجام دهد. با وجود این اقدامات، در عمل برخی چالش‌ها و ابهامات در اجرای

۲. خط‌مشی کلی و اصول برنامه سازمان صدا و سیما (۱۷)

تیر (۱۳۶۱):

در ماده ۹ این قانون، صدا و سیما به‌عنوان یک نهاد مستقل و زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه کشور معرفی شده است که وظیفه دارد با رعایت اصول اسلامی و انقلابی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را تولید و پخش کند.

ماده ۴۰ این قانون به‌طور خاص به نقش صدا و سیما در ترویج امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد. بر اساس این ماده، صدا و سیما موظف است روحیه انتقاد سالم و سازنده را در مردم، مسئولین و دست‌اندرکاران ایجاد کند، انتقادات مردم از مسئولین و توقعات آن‌ها از مردم را بازگو نماید و با نفی روش‌های تخریبی و ضد اسلامی، زمینه مناسبی برای جلسات بحث و گفتگوی آزاد فراهم آورد تا مردم خود به انتخاب «احسن» بپردازند.

این رویکرد، صدا و سیما را به‌عنوان یک ابزار مهم در فرآیند نظارت اجتماعی و تقویت هنجارهای اخلاقی و اسلامی در جامعه معرفی می‌کند. نقش این سازمان در آموزش و ترویج فضایل اخلاقی، نقد سازنده و ارتقای سطح آگاهی عمومی از طریق رسانه‌های جمعی، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در مجموع، این دو قانون با تأسیس نهادهای مردمی و رسانه‌ای، ساختاری قانونی و اجرایی برای ترویج امر به معروف و نهی از منکر در جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده‌اند. این ساختار، با تأکید بر مشارکت عمومی، نظارت اجتماعی و رسانه‌ای، به دنبال نهادینه‌سازی هنجارهای اسلامی و اخلاقی در جامعه است.

۳. قانون مجازات اسلامی (۲۱ مهر ۱۳۶۱)

در راستای تقویت و حمایت از امر به معروف و نهی از منکر، بند ۳ ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۱ مهر ۱۳۶۱ نخستین قانون عادی بود که به این فریضه دینی اشاره می‌کرد. این بند به اقدامات آمران به معروف و ناهیان از منکر بعد کیفری می‌داد و در صورتی که ارتکاب جرم در چارچوب انجام این وظیفه دینی صورت

می‌گرفت، می‌توانست به‌عنوان عامل موجهه جرم تلقی شود و موجب معافیت مرتکب از مسئولیت کیفری شود (Ardebili, 2010). با این حال، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ این بند حذف شد، تا با اصل قانونی بودن جرم و مجازات منطبق شود و تناقض حقوقی ایجاد نشود. حذف این بند نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای همسویی با اصول کلی کیفری و جلوگیری از ایجاد هرگونه ابهام در تعیین مسئولیت کیفری افراد است.

۴. آیین‌نامه اجرایی فعالیت انجمن‌های اسلامی (مصوبه

هیئت وزیران ۱۰ مهر ۱۳۶۲):

در بند ب ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی فعالیت انجمن‌های اسلامی، هیئت وزیران راهکارهای عملی و اجرایی برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های اداری و سازمانی مشخص کرده است. این راهکارها شامل موارد زیر می‌باشند:

- برخورد اصولی و منطقی با مظاهر فساد و تباهی: هدف از این برخورد، ایجاد محیط سالم و مساعد برای رشد فضائل اخلاقی و انسانی مطابق با قوانین شرعی است.
- تذکر، نصیحت و موعظه اسلامی: انجام این اقدام به صورت برادرانه و متناسب با شرایط فرد مورد نظر، ضمن رعایت تقوا و اخلاق اسلامی و بدون دخالت در مسئولیت‌های مدیریتی.
- ارائه پیشنهادات عملی: ارائه راهکارها و راهنمایی‌های سازنده جهت اصلاح نواقص و مشکلات موجود در واحدهای مرتبط با مسئولان.
- گزارش کتبی به مقام مسئول: ارائه گزارش مستدل و منطقی در صورت نیاز برای پیگیری موضوع.
- ارتباط با مقامات مافوق در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب: در مواقعی که اقدامات فوق مؤثر نباشد، گزارش موضوع به سطوح بالاتر سازمانی یا نهادهای ذی‌ربط.

این آیین‌نامه، به‌عنوان اولین دستورالعمل اجرایی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی، نقش انجمن‌های اسلامی در محیط‌های اداری و

متقابل، در تمام سطوح اجتماعی و اداری مورد توجه قرار گرفته و سازوکارهای قانونی و اجرایی متعددی برای آن تعریف شده است.

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

«طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» با هدف حمایت قانونی از افرادی که وظیفه شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند، توسط گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با قید دو فوریت ارائه شد. در مقدمه طرح تأکید شده است که اصل هشتم قانون اساسی، این وظیفه را بر عهده همه شهروندان گذاشته و برای تحقق آن باید حمایت‌های قانونی لازم از مجریان آن فراهم شود.

این طرح در پاسخ به خلأ قانونی موجود و به منظور جلوگیری از آسیب دیدن آمران به معروف و ناهیان از منکر، به‌ویژه در مواردی که ممکن است اقدامات آنان به‌اشتباه جرم تلقی شود، تدوین شده است. همچنین، طرح یادشده به‌دنبال اجرای منویات مقام معظم رهبری در زمینه ارتقای فرهنگ عمومی و پاسداری از ارزش‌های اسلامی است و هدف آن تعیین شرایط یا حدود اجرای این فریضه نیست، بلکه صرفاً ایجاد پشتوانه قانونی برای حمایت از عاملان آن است.

طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» ابتدا در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱ تیر ۱۳۹۳ مطرح شد. نمایندگان با یک فوریت آن موافقت کردند و طرح برای بررسی به کمیسیون مشترک قضایی و حقوقی و فرهنگی ارجاع شد. این کمیسیون پس از بررسی، طرح را در ۸ مهر ۱۳۹۳ با اصلاحاتی تصویب و به مجلس بازگرداند.

در ادامه، طرح در ۱۸ آذر ۱۳۹۳ در صحن علنی مجلس تصویب و برای تأیید به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در چند نوبت (۲۶ و ۳ دی و ۱۰ دی ۱۳۹۳) آن را مغایر با شرع و قانون اساسی دانست و ایرادهایی اعلام کرد. مجلس در ۱۵ بهمن ۱۳۹۳ اصلاحات لازم را انجام داد، اما شورای نگهبان در بررسی‌های بعدی (۲۹ بهمن و ۶ اسفند ۱۳۹۳) برخی ایرادات را باقی دانست.

سازمانی را در پیاده‌سازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر مشخص کرده و تأکید بر برخورد اخلاق‌مدارانه و ارشادی به جای اقدامات تنبیهی دارد.

۵. قانون و مقررات وزارت آموزش و پرورش (۲۵ بهمن ۱۳۶۶)

بند ۹ ماده ۲ این قانون بر تقویت روحیه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان وظیفه عمومی تأکید دارد (Keikha, 2010).

۶. آیین‌نامه اجرایی انجمن‌های اسلامی واحدهای اداری (۷ مرداد ۱۳۶۸)

این آیین‌نامه راهکارهایی برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر، از جمله برخورد منطقی و ارشادی، گزارش کتبی، مذاکرات خصوصی و گزارش به مقامات ذیصلاح پیش‌بینی کرده است.

۷. قانون حمایت قضایی از بسیج (۱ دی ۱۳۷۱)

این قانون مجوز داده است که اعضای نیروی مقاومت بسیج در مواقع ضروری و در نبود ضابطان قضایی، اقدامات لازم برای جلوگیری از ارتکاب جرم و اجرای امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند و آموزش‌های مرتبط با آن نیز توسط معاونت عقیدتی سیاسی نیروی مذکور ارائه شود (Amid Zanjani, 1989).

۸. راهکارهای اجرایی برنامه سوم توسعه (۲۱ دی ۱۳۷۹)

در بخش فرهنگ، هنر و تبلیغات، سازمان صدا و سیما و نهادهای فرهنگی موظف به انجام مطالعات و اقدامات برای توسعه امر به معروف و نهی از منکر و فرهنگ نظارت عمومی شده‌اند.

۹. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۱ شهریور ۱۳۸۳)

ماده ۱۰۶ این قانون، وظیفه دولت را در تعمیق ارزش‌ها و باورها، حفظ هویت اسلامی و ایرانی، ارتقای معرفت دینی و اقدامات لازم برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر مشخص کرده است. این قوانین و مقررات نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر در ایران به‌عنوان یک وظیفه عمومی و

حال حاضر، در هیچ‌یک از قوانین اساسی و عادی کشور، تعریف جامعی از این مفهوم ارائه نشده است. با این حال، به دلیل اینکه موضوع «حمایت از حریم خصوصی» تاکنون دو بار در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است، می‌توان از تعاریف پیشنهادی در آن لوایح برای تبیین نظر قانون‌گذار بهره برد.

نخستین بار، در جریان بررسی طرح حمایت از حریم خصوصی (۱۳۸۸)، حریم خصوصی چنین تعریف شد: «حریم خصوصی به محدوده‌ای از زندگی فردی اشخاص اطلاق می‌شود که ورود به آن بدون رضایت شخص ممنوع بوده و موجب تعرض به آزادی‌های فردی و حیثیت انسانی وی می‌گردد». در مرحله دوم، در پیش‌نویس لایحه حمایت از حریم خصوصی (۱۳۹۰)، تعریف دقیق‌تری ارائه گردید:

«حریم خصوصی عبارت است از قلمرو و محدوده‌ای که در آن شخص انتظار مشروع از محرمانه ماندن اعمال، اطلاعات و مکاتبات خود دارد و هیچ‌کس حق تعرض به آن را جز به موجب قانون ندارد» این تعاریف نشان می‌دهد که از دید قانون‌گذار ایرانی، حریم خصوصی ناظر به جنبه‌های شخصی، مکانی و اطلاعاتی زندگی افراد است و هرگونه اقدام در اجرای امر به معروف و نهی از منکر که به این حوزه‌ها لطمه وارد کند، فاقد وجهت قانونی و شرعی است (Abbasi, 2020).

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در متون قانونی متعددی به موضوع حریم خصوصی پرداخته است، اما همچنان ابهامات قابل توجهی در تعریف، حدود و مصادیق آن وجود دارد. در واقع، اگرچه برخی اصول قانون اساسی به‌طور ضمنی از حریم خصوصی حمایت کرده‌اند، اما این حمایت هنوز به صورت یک چارچوب حقوقی منسجم و صریح تدوین نشده است (B. Ansari, 2012; M. Ansari, 2012; Rabi'ei, 2019). بر اساس اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی افراد ملت در برابر قانون مساوی هستند و از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند، مشروط بر رعایت موازین اسلامی. این اصل،

در نهایت، مجلس در ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ اصلاحات نهایی را اعمال و مصوبه را مجدداً به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان در ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ اعلام کرد که مصوبه نهایی با موازین شرع و قانون اساسی مغایرتی ندارد. بدین ترتیب، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به تصویب نهایی رسید. با این حال، کارشناسان حقوقی معتقدند این قانون دارای ابهامات و نارسایی‌هایی است که در عمل مانع اجرای کامل و مؤثر فریضه امر به معروف و نهی از منکر شده است.

چالش‌ها و ابهامات

با توجه به اینکه قانون‌گذار در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر کوشیده است تا ابهامات و نواقص موجود در اصل هشتم قانون اساسی و همچنین کاستی‌های قانون مجازات اسلامی را برطرف سازد و چارچوبی شفاف‌تر برای اجرای این فریضه الهی ارائه دهد، بررسی دقیق‌تر این قانون ضرورت دارد. از این رو، در این بخش به چالش‌ها، ابهامات و نارسایی‌های اجرایی و حقوقی موجود در قانون یادشده پرداخته می‌شود تا میزان کارآمدی آن در تحقق اهداف مورد نظر قانون‌گذار روشن گردد.

۱- ابهام در تعریف و تحدید حریم خصوصی

ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ مقرر می‌دارد:

«در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این ماده از مهم‌ترین مواد حمایتی در این قانون است که هدف آن، تعیین مرز میان اجرای فریضه الهی و رعایت حقوق بنیادین اشخاص است. در واقع، قانون‌گذار با درج این حکم تلاش کرده است تا میان تکلیف شرعی امر به معروف و نهی از منکر و حقوق اساسی شهروندان در زمینه آزادی‌های فردی و حریم خصوصی نوعی توازن برقرار کند (Safaei, 2017). با وجود این، یکی از چالش‌های جدی در اجرای این ماده، فقدان تعریف قانونی از مفهوم «حریم خصوصی» است. در

مبنای برابری در برخورداری از حقوق و آزادی‌های فردی از جمله حریم خصوصی را فراهم می‌سازد.

در ادامه، اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این اصل یکی از مهم‌ترین پایه‌های قانونی در صیانت از حریم خصوصی شهروندان محسوب می‌شود، زیرا تعرض به حیثیت و حقوق افراد را تنها در چارچوب قانون مجاز می‌داند.

همچنین، اصل ۲۳ قانون اساسی به صراحت بیان می‌کند که «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». این اصل، بعد فکری و اعتقادی حریم خصوصی را مورد حمایت قرار می‌دهد. افزون بر این، اصل ۲۵ قانون اساسی نیز جنبه ارتباطی و اطلاعاتی حریم خصوصی را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

مجموعه این اصول نشان می‌دهد که قانون اساسی ایران به صورت پراکنده و ضمنی از حریم خصوصی دفاع می‌کند، اما هنوز قانون‌گذاری دقیق و شفاف برای تعیین حدود، ضمانت اجرا و مصادیق آن صورت نگرفته است. رعایت این حقوق، ارتباط مستقیم

با کرامت ذاتی انسان و اصل تمامیت فردی دارد و از مهم‌ترین حقوق بنیادین در نظام حقوق عمومی محسوب می‌شود (M. Ansari, 2012; Bashiriyeh, 2015).

در کنار قانون اساسی، موضوع حفاظت از حریم خصوصی افراد و منع تعرض به آن در سایر قوانین نیز مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کند: «اصل برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون، با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت، این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب

وارد آورد». نکته قابل توجه در این ماده آن است که حتی در مواردی که قانون ورود به حریم خصوصی افراد را مجاز می‌داند، مأموران موظف‌اند کرامت انسانی و حیثیت اشخاص را حفظ کنند (Ahmadi, 2008). این تصریح نشان می‌دهد که قانونگذار ایرانی، کرامت انسان را به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری پذیرفته و آن را در کنار اصل برائت، به‌عنوان ضمانتی در برابر نقض آزادی‌ها و حریم خصوصی افراد قرار داده است.

۲- ابهام در تعریف و تحدید حقوق اشخاص

بحث مربوط به حقوق ملت در قوانین اساسی کشورها همواره به‌عنوان یکی از اصول بنیادین نظام‌های حقوقی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته و در اشکال گوناگون بیان شده است. بخشی از این حقوق، در زمره‌ی حقوق طبیعی انسان‌ها قرار دارد که از ویژگی‌هایی چون ثبات، جهان‌شمولی و تغییرناپذیری برخوردار است و دولت‌ها موظف به رعایت آن هستند (Ziyaee, 2009). در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز، فصل سوم قانون اساسی با عنوان حقوق ملت (اصول ۱۹ تا ۴۲)، مجموعه‌ای از حقوق اساسی را برای تمامی افراد جامعه پیش‌بینی کرده است. این اصول ناظر بر برابری حقوقی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، مصونیت‌های قانونی و کرامت انسانی هستند و مبنای تنظیم روابط میان دولت و مردم محسوب می‌شوند (Tawhidi, 2007).

با این حال، ابهام در تعریف و تحدید دقیق این حقوق در برخی موارد، به‌ویژه در تعارض میان آزادی‌های فردی و الزامات دینی یا امنیتی، از چالش‌های اصلی نظام حقوقی ایران به‌شمار می‌آید.

الف - حق مساوات و برابری

اصل مساوات و برابری یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشر و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس اصل ۱۹ قانون اساسی، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». این اصل بر نفی هرگونه تبعیض قومی، زبانی و نژادی تأکید دارد و پایه‌گذار عدالت اجتماعی در نظام حقوقی کشور است.

اعلامیه یا به حیثیت و حقوق دیگران آسیب رساند.» (Qazi Shariat Panahi, 2003).

در نظام حقوقی ایران نیز، اصل ۲۴ قانون اساسی به آزادی بیان اشاره کرده و آن را مقید به رعایت مبانی اسلامی و حقوق عمومی دانسته است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» بنابراین، در ایران نیز مانند دیگر نظام‌های حقوقی، آزادی بیان حقی اساسی است که در چهارچوب قوانین و با رعایت مصالح عمومی و مبانی دینی اعمال می‌شود. منظور از «مبانی اسلام» در قانون اساسی ایران، مرز میان اسلام و کفر است؛ بنابراین اصولی همچون توحید، نبوت و معاد به عنوان مبانی دین تلقی نمی‌شوند، بلکه تمرکز بر حفظ حدود دین از حیث توهین به مقدسات و شعائر دینی، نشر کتاب‌ها و آثار ضاله که رد خدا و پیامبر را ترویج می‌کنند و تضعیف عقاید مردم است. همچنین، عنوان «حقوق عمومی» شامل مواردی مانند مخالفت با عفت عمومی، افتراء، تعرض به شرف و حیثیت انسانی و سایر حقوق افراد می‌شود (Vakil Amir & Askari, 2013).

ج- حق امنیت

امنیت پایه‌ای اساسی برای تحقق و بهره‌برداری از حقوق شهروندان است؛ زیرا تا زمانی که افراد نسبت به جامعه و خود احساس امنیت نداشته باشند، نمی‌توانند حقوق خود را به راحتی استیفا کنند. بر همین اساس، اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» همچنین، اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی حقوق متعددی را برای افراد جامعه پیش‌بینی کرده است که همگان از آن به صورت مساوی برخوردارند و هیچ یک از این آزادی‌ها مطلق نیست و با عباراتی نظیر «مگر به حکم قانون» (اصل ۲۵) یا «محل مبانی اسلام نباشد» (اصل ۲۷) محدود شده‌اند (Ne'matollahi, 2000).

در اندیشه‌ی سیاسی و حقوقی معاصر، برابری و مساوات از اصول اساسی برای ایجاد یک نظام سیاسی آزاد و عادلانه به شمار می‌رود. به گفته‌ی طباطبایی مؤتمنی (۱۳۷۰: ۲۰۱)، این برابری دو بُعد اساسی دارد:

۱. برابری در حیثیت و کرامت انسانی، یعنی همه انسان‌ها صرف نظر از تفاوت‌های طبیعی و اجتماعی، از کرامت ذاتی برابر برخوردارند؛
 ۲. برابری در حقوق، یعنی همه افراد جامعه به عنوان شهروند، باید از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی مساوی بهره‌مند شوند.
- در همین راستا، اصل ۲۰ قانون اساسی نیز تصریح می‌کند که «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» این اصل، بر تساوی زن و مرد در بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی و حقوق اجتماعی تأکید دارد و نشان‌دهنده‌ی پیوند میان عدالت اجتماعی و رعایت موازین اسلامی در ساختار حقوقی کشور است.

ب- حق آزادی

حق آزادی از اساسی‌ترین حقوق انسانی است که در نظام‌های حقوقی مدرن به رسمیت شناخته شده است. در گذشته، افراد به دلیل داشتن عقاید و باورهای متفاوت، مورد تعقیب، شکنجه و مجازات قرار می‌گرفتند؛ چنان‌که در قرون وسطی، کسانی که عقایدشان با دیدگاه رسمی کلیسا ناسازگار بود، به شدیدترین و فجیع‌ترین شکل ممکن مجازات می‌شدند (Qazi Shariat Panahi, 2003)، اما در دنیای امروز، آزادی اندیشه و عقیده به عنوان یکی از پایه‌های کرامت انسانی شناخته می‌شود و هیچ کس را نمی‌توان صرفاً به دلیل داشتن عقیده‌ای خاص مورد آزار و مجازات قرار داد. با این حال، آزادی بیان در هیچ نظام حقوقی مطلق نیست و معمولاً با قیود و محدودیت‌هایی همراه است تا از سوءاستفاده از این حق جلوگیری شود. برای نمونه، در اصل ۱۴ اعلامیه ۱۹۴۶ فرانسه آمده است: «هر کس آزاد است سخن بگوید، بنویسد، چاپ و انتشار دهد، اما این آزادی نباید به گونه‌ای اعمال شود که به آزادی‌های تضمین شده در

بینهما» (الحجرات، آیه ۹) که مقدم داشتن اصلاح و نرمش را نسبت به مقابله و برخورد قهری نشان می‌دهد، و سپس می‌فرماید: «مقاتلوا الّٰتی تَبَغّٰی حتی تَفٰی اِلٰی اَمْرِ اللّٰهِ» (الحجرات، آیه ۹) که بیانگر این است که تنها در صورت لزوم و با رعایت مراحل شرعی، برخورد قهری و جدی مجاز است (Hilli, 1992).

از این بیان کاملاً روشن می‌شود که اگر اجرای امر به معروف و نهی از منکر با استفاده از زبان نرم و حفظ آبرو ممکن باشد، نباید حیثیت و اعتبار افراد تحت تأثیر قرار گیرد و هتک حرمت صورت گیرد. در این حالت، قانون و شرع همسو هستند.

حالت دوم: در مواردی که امر به معروف و نهی از منکر تنها با تعرض به حیثیت فرد ممکن باشد، مانند فردی از کسبه بازار که اعتبار و آبروی اجتماعی دارد، اگر تذکر در خفا اثری نداشته باشد، ولی یادآوری در حضور دیگران موجب ترک منکر شود، انجام امر به معروف در این مرحله مجاز است. در این وضعیت، هر چند تعرض اندکی به حیثیت فرد وارد می‌شود، اما به دلیل تحقق منفعت اعظم یعنی ترک منکر، از نظر شرع این اقدام واجب است.

فقها بر این اساس بیان کرده‌اند که در مواردی که معروف و منکر از مصادیق قطعی رضایت شارع باشند، مانند تعرض بر نفس یا انجام محرمات آشکار، حتی جواز اقدامات شدیدتر تا حد سلب جان وجود دارد، اما در مراحل پایین‌تر نیز اقداماتی که اندکی به حیثیت فرد آسیب می‌رساند، مجاز است. شهید ثانی در این باره می‌نویسد: «احتیاط در دین آن است که زبان خود را از غیبت مطلقاً حفظ نماید، مگر در صورتی که فرد مبتدعی سبب اخلال مردم شود، در این صورت واجب است از باب نهی از منکر، هرگاه قدرت داشته باشد بر دفع آن».

این بیان نشان می‌دهد که در مواردی، حتی غیبت و بردن آبروی فرد برای وادار کردن او به ترک منکر، از نظر شرع جایز و واجب است، به ویژه در مواردی مانند اظهار بدعت یا ترویج فساد. بنابراین، اگر کسی واقعاً از باب اجرای امر به معروف و نهی از منکر چنین اقدامی انجام دهد و فرد خاطی شکایت کند، ماده ۵ قانون حمایت از آمران

در ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (۱۳۹۵) مواردی از حقوق افراد ذکر شده است که شامل حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل می‌شود و همچنین به حریم خصوصی اشاره شده که خود حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود. پس از این موارد، ماده مزبور به «حقوق اشخاص» اشاره می‌کند. این پرسش مطرح می‌شود که منظور از این عبارت چیست: آیا عنوانی کلی است که موارد پیشین را در بر می‌گیرد، یا قانونگذار حقوق جدیدی را مد نظر داشته است؟ اگر این حقوق جدید شامل مواردی باشد که در قانون اساسی و شرع به آنها اشاره شده، مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما به دلیل بیان مطلق واژه «حقوق اشخاص»، ممکن است هر فردی هر چیزی را حق خود تلقی کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد برای جلوگیری از برداشت نادرست، استفاده از عبارت «حقوق قانونی و شرعی» در ماده مذکور ضروری بوده است (Mogheisi Nia, 2013).

۳- تعرض

در ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر آمده است: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید.» در این ماده چند نکته مهم قابل بررسی است:

الف - تعرض به حیثیت

ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که مراد از «حیثیت» چیست؟ این واژه در متن ماده به معنای «اعتبار» و «آبرو» افراد متصور است. بر این اساس، باید بررسی کرد که در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر چه حالت‌هایی برای حیثیت افراد قابل تصور است.

حالت اول: در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر با حفظ آبرو و بدون آزار، اذیت یا هتک حرمت انجام گیرد، اما آمر یا ناهی در این حالت به هر نحو موجب تعرض به حیثیت فرد گردد، این نوع اقدام شرع مقدس تأکید نمی‌کند و فقها نیز نظری در این خصوص ندارند. بر اساس آموزه‌های فقهی، «آغاز امر به معروف و نهی از منکر باید از آسان‌ترین جایگاه از نظر قول و فعل شروع شود». دلیل این ترتیب در قرآن کریم نیز آمده است: خداوند می‌فرماید: «فأصلحوا

- مواد قانونی و واژگان به کار رفته در ماده ۵ به طور دقیق و روشن تعیین شوند.
- موارد تخصیص و استثنایایی که ضرورت نقض حریم خصوصی برای جلوگیری از منکر را دارند، مشخص و معین گردد.
- از کلی‌گویی در این موارد پرهیز شده و ماده به صورت جزء به جزء و با شفافیت تدوین شود.

همچنین، ضروری است قانونگذار تدابیری برای جلوگیری از سوءاستفاده از امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی کند. به طوری که اگر امر یا ناهی به بهانه اجرای این فریضه اقدام به تجسس و تفحص بی‌مورد در حریم خصوصی افراد کرده و منکری کشف نکرده و یا موجب هتک آبروی افراد و اشاعه فحشا شود، مطابق قانون مجازات‌هایی، ولو مختصر، برای آنان در نظر گرفته شود. این اقدام باعث می‌شود قانون از سوءاستفاده و تجاوز به حقوق افراد جلوگیری کرده و اجرای امر به معروف و نهی از منکر به شکل صحیح و مشروع انجام شود.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر در قانون و فقه ایران به عنوان یک تکلیف همگانی، دارای اهمیت بالایی است و در قوانین اساسی و عادی کشور پیش‌بینی شده است. اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این تکلیف را بر عهده شهروندان گذاشته و آنان را در قبال رفتار یکدیگر مسئول و ناظر دانسته است. بررسی مواد قانونی و فقهی نشان می‌دهد که اجرای این فریضه دارای مراتب و محدودیت‌هایی است؛ به گونه‌ای که در شرایطی که امکان جلوگیری از منکر با حفظ حیثیت، جان، مال، مسکن و حریم خصوصی افراد وجود دارد، اجرای فریضه باید بدون هتک حرمت و اذیت و آزار صورت گیرد. در غیر این صورت، در موارد ضروری و برای جلوگیری از منکر مهم، تعرض محدود به این حقوق افراد از نظر شرع مجاز است.

به معروف و ناهیان از منکر از فرد آمر یا ناهی حمایت می‌کند و مانع تعارض بین اقدام قانونی و شرعی خواهد شد.

ب- تعرض به جان، مال، مسکن و شغل

مطابق آنچه در بحث پیشین درباره حیثیت بیان شد، اصول مشابهی در مورد جان، مال، مسکن و شغل نیز صادق است و لازم است قانون در این موارد استثنایایی را پیش‌بینی کند. گاهی برای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، که از نظر شرع اهمیت والایی دارد، ممکن است امر یا ناهی مجبور به تعرض به جان یا مال دیگران شود. به عنوان مثال، اگر دو نفر درگیر شوند و فردی برای جلوگیری از منکری مانند ضرب و شتم مؤمن مجبور شود وارد ملک شخص دیگر شود، ممکن است به اموال یا جان آن فرد آسیبی وارد گردد. در چنین مواردی، قانون باید قائل به تخصیص و استثناء شود و ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به صورت مطلق مورد توجه قرار نگیرد.

با این حال، اگر امر یا ناهی در جریان اجرای امر به معروف و نهی از منکر موجب آسیب به اموال افراد شوند، مسئولیت جبران خسارت بر عهده آنان است. به عنوان مثال، شکستن شیشه‌ای که در آن شراب قرار دارد یا صندوقی که آلات قمار در آن است، اگر این اقدام از موارد ضروری برای جلوگیری از منکر نباشد، مسئولیت قانونی و ضمانت متوجه آمر و ناهی خواهد بود (Khomeini, 2022).

ج- تعرض به حریم خصوصی و حقوق اشخاص

در خصوص حریم خصوصی و حقوق اشخاص، اصول مشابه موارد «الف» (تعرض به حیثیت) و «ب» (تعرض به جان، مال، مسکن و شغل) جاری است. به عنوان نمونه، اگر فردی مطلع شود که در حریم خصوصی شخصی منکری مانند قتل در حال وقوع است، شارع مقدس اجرای نهی از منکر را تأیید می‌کند و طبق مراتب امر به معروف و نهی از منکر و نظرات فقها، شخص موظف است حریم خصوصی را نقض کرده و جلوگیری از منکر را بر آن ترجیح دهد (Mogheisi Nia, 2013).

با توجه به این مسائل، پیشنهاد می‌شود:

تعیین دقیق حدود و مراتب اجرای فریضه، موارد استثنایی و شرایط مشروعیت اقدامات آمر و ناهی را روشن کند. همچنین پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی برای جلوگیری از تجسس بی‌مورد یا سوءاستفاده، می‌تواند اطمینان دهد که اجرای این تکلیف شرعی و قانونی در چارچوب حقوق شهروندان و با رعایت کرامت انسانی انجام شود. در مجموع، قانون حمایت از آمران و ناهیان گام مهمی در جهت عملیاتی کردن اصل هشتم قانون اساسی است، اما برای تحقق کامل اهداف آن، به اصلاحات و شفاف‌سازی‌های لازم نیاز دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The principle of *enjoining good and forbidding evil* constitutes one of the foundational pillars of Islamic jurisprudence and an essential moral and legal obligation in the Islamic Republic of Iran. Its constitutional recognition under Article 8 of the Iranian Constitution establishes it as a mutual duty between the state and citizens, reflecting both theological commitment and sociolegal responsibility. However, despite this elevated position, the institutionalization of this principle within Iran's legal framework has led to complex debates regarding the intersection of religious mandates and modern human rights standards. In essence, while the doctrine aims to sustain moral order and collective responsibility, its implementation has encountered serious legal and ethical challenges—particularly when confronted with individual freedoms, privacy, and the protection of human dignity. The core of this dilemma lies in balancing collective moral enforcement with constitutional rights, where the state's efforts to protect those performing this duty may unintentionally impinge upon citizens' civil liberties. As several scholars have noted, the existing law—especially the 2015 *Law on the Protection of Commanders of Good and*

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴، با هدف حمایت قانونی از افرادی که این فریضه را انجام می‌دهند، تدوین شده است. این قانون سعی کرده است خلا قانونی موجود در قوانین قبلی و مسائل ناشی از ماده‌های کلی را پوشش دهد. با این حال، بررسی دقیق قانون نشان می‌دهد که ابهام در تعریف واژگان و محدوده حقوق افراد، از جمله «حقوق اشخاص» و «حریم خصوصی»، نیازمند شفاف‌سازی و تعیین استثناءها است تا اجرای فریضه با سایر حقوق شهروندان تضاد پیدا نکند و از سوءاستفاده جلوگیری شود.

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در ارتقای فرهنگ عمومی و حفظ نظم اجتماعی، لازم است قانونگذار ضمن

Forbidders of Evil—though designed to institutionalize this duty, often overlooks conceptual ambiguities and inconsistencies that undermine both its legitimacy and applicability in a modern legal context (Kheiri, 2015; Valizadeh & Dowlat, 2024).

The theoretical and jurisprudential foundations of *enjoining good and forbidding evil* are deeply rooted in Islamic thought, particularly in the notions of collective responsibility (*mas'uliyat ijtimaiyya*) and the believers' mutual guardianship (*wilayat al-mu'minin*). These concepts emphasize the moral interdependence of individuals within the Muslim community and assert that neglecting this duty leads to societal decay. From a theological standpoint, the Qur'an explicitly commands this obligation (e.g., Surah Al-Imran 3:110 and Surah At-Tawbah 9:71), while classical jurists framed it as a means of preserving divine order and moral equilibrium. As argued by Motahari, the spiritual significance of this principle lies in transforming social passivity into moral agency through active participation in public morality (Motahari, 1992). In jurisprudence, the duty assumes three levels—internal (heartfelt disapproval), verbal (advisory expression), and practical (physical intervention)—each subject to conditions such as knowledge,

probability of influence, and absence of harm. Nevertheless, as modern jurists highlight, the transposition of these stages into statutory frameworks introduces interpretive tension between traditional fiqh and the modern rule of law. The emergence of *maslahah* (expediency) as a regulatory principle further complicates this relationship by justifying legal constraints under public interest considerations (Farah Bakhsh, 2013; Motahari, 1996). This jurisprudential evolution reflects an ongoing attempt to reconcile divine imperatives with societal governance, where preserving order and preventing harm justify selective restriction of the duty's operational scope. The legislative evolution of *enjoining good and forbidding evil* in Iran demonstrates a dynamic but fragmented trajectory. Early legislative efforts appeared in the 1980s, most notably through the *Law on Political and Professional Associations* (1980) and the *Statute on Islamic Associations* (1982), which positioned the duty as a moral foundation for civic participation. The *Islamic Penal Code* (1981) initially acknowledged this duty as a mitigating factor for certain offenses committed in pursuit of moral correction, yet this clause was later removed to align with the principle of legality in criminal law (Ardebili, 2010). The most comprehensive statutory development occurred with the 2015 enactment of the *Law on the Protection of Commanders of Good and Forbidders of Evil*, which formally established the legal and institutional framework for supporting individuals who perform this duty. Despite its intention to harmonize religious and legal norms, occupation, and privacy except where permitted by law, is particularly contentious because it lacks a clear legal definition of *privacy* and *personal rights*. This ambiguity has generated inconsistent judicial interpretations and potential misuse in practice (Safaei, 2017). The legislative intent was to ensure that moral advocacy would not violate constitutional safeguards such as dignity and security, as enshrined in Articles 20, 22, 23, and 25 of the Constitution. Nevertheless, the failure to codify the limits of permissible intervention has

resulted in tension between legal enforcement and individual autonomy. In effect, the statute oscillates between empowerment and restraint, recognizing the right of citizens to act upon moral imperatives while simultaneously restricting the means through which they may do so. Scholars such as Ansari (B. Ansari, 2012; M. Ansari, 2012) and Ahmadi (Ahmadi, 2008) have argued that the current legal framework inadequately protects personal integrity, as the boundaries between public morality and private life remain blurred. Moreover, in contrast with the classical fiqh approach that grants broad communal authority, the modern Iranian legal order has progressively centralized this function within state institutions, thereby reducing its participatory dimension and transforming a collective ethical duty into an administrative responsibility.

The main challenges and ambiguities surrounding the implementation of *enjoining good and forbidding evil* in Iranian law can be categorized into conceptual, procedural, and normative dimensions. Conceptually, the absence of precise definitions for *ma'ruf* (good) and *munkar* (evil) within statutory texts has resulted in subjective interpretation and selective enforcement (Rajabzadeh, 1992; Tabatabaei Mo'tameni, 1991). While classical jurisprudence identifies these terms primarily through divine law, contemporary society demands legal clarity compatible with pluralistic social realities. Procedurally, the decentralization of enforcement responsibilities and the lack of a coherent institutional mechanism have hindered uniform application. The *Headquarters for the Promotion of Virtue and Prevention of Vice*, established in 2003, was intended to coordinate state and civic efforts but has faced persistent criticism for inefficiency and limited authority (Valizadeh & Dowlat, 2024). Normatively, there exists a fundamental tension between the communal enforcement of moral duties and the protection of human rights. As Attarzadeh and Jahangirpour (Attarzadeh & Jahangirpouri, 2018) demonstrated, when the enforcement of moral

norms conflicts with citizens' right to privacy, precedence should be given to privacy and dignity unless overriding public interests such as preservation of religion or public order justify otherwise. This conflict highlights the need for a jurisprudence of proportionality that mediates between divine command and constitutional justice. Furthermore, the absence of clear criteria for determining when interference is "legally justified" allows personal or ideological bias to influence the exercise of this duty, thus undermining public trust in both the law and religious institutions.

Another challenge concerns the doctrinal transformation of *enjoining good and forbidding evil* from a purely religious precept into a subject of criminalization (*tajrīm*). The process of criminalization, defined as the legislative act of attaching penal consequences to specific conduct (Derakhshān, 2007), has in Iran extended moral obligations into the domain of penal law. While this alignment was intended to deter social corruption, it risks conflating moral failure with legal guilt. Scholars such as Mahmoudi (Mahmoudi, 2006) and Aghababaei (Aghababaei, 2005) note that excessive criminalization without precise standards may erode the moral legitimacy of law itself. The Iranian legislator, influenced by both Islamic jurisprudence and Western notions of the rule of law, has attempted to define the scope of permissible intervention through the concept of *maslahah* (public interest), yet this doctrine remains fluid and context-dependent (Eftekhari, 2005; Farah Bakhsh, 2013). Consequently, the ambiguity of legal language—particularly in expressions such as "except where the law permits"—has produced interpretive discretion that could lead to abuse. These inconsistencies suggest that while the legislative framework aspires to safeguard both moral order and personal liberty, it lacks an operational mechanism for balancing them. Thus, reforming the legal vocabulary to include precise and context-sensitive definitions of privacy, dignity, and lawful intervention becomes

essential for harmonizing religious imperatives with constitutional governance.

Analytically, a coherent solution to these conflicts requires integrating three levels of reform: jurisprudential, legislative, and institutional. At the jurisprudential level, there must be renewed engagement with the doctrine of *wilayat al-faqih* and its implications for limiting individual agency in moral enforcement. Imam Khomeini's theory of *wilayah mutlaqah al-faqih* justifies restricting private initiatives in favor of centralized governance where public interest or avoidance of harm demands it (Khomeini, 2022). This theoretical justification provides a legitimate framework for delegating practical enforcement to state organs while preserving the spiritual duty at an individual level. Legislatively, the development of secondary laws should focus on specifying the procedural safeguards necessary to protect individual rights. Drawing from comparative Islamic human rights frameworks, this can include codified definitions of privacy that reflect both religious morality and international human rights principles (Abbasi, 2020; Bashiriyeh, 2015). Institutionally, empowering oversight bodies such as the Judiciary and the Islamic Human Rights Commission to review alleged violations of personal rights committed under the pretext of moral enforcement would enhance accountability. Additionally, the implementation of educational and cultural programs emphasizing ethical persuasion over coercion aligns with the original intent of *amr bi al-ma'ruf*—that moral transformation must proceed through guidance, not compulsion (Izadehī, 2011; Mesbah Yazdi, 2001). This interpretive shift from punitive to preventive approaches can reconcile religious ethics with democratic governance.

References

- Abbasi, M. (2020). *A Comparative Analysis of the Concept of Privacy in Iranian Law and Islamic Jurisprudence* (Vol. 28).
- Abdulmun'im, S. (1995). *Principles of the Science of Crime and Punishment*. Al-Jami'ah lil-Dirasat wal-Nashr wal-Tawzi'.

- Afram al-Bustani, F. (1997). *Abjadi Dictionary (Arabic - Persian)*. Islami Publisher.
- Aghababaei, H. (2005). Jurisprudential Discourse and Criminalization in the Field of Crimes Against National and State Security. *Journal of Fiqh and Law, Islamic Culture and Thought Research Institute*, 2(5).
- Ahmadi, A. (2008). Violation of Privacy: A Challenge Facing Situational Crime Prevention. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*(6), 27.
- Alizadeh Eshkalak, H. (2006). *Course Handout: Criminal Procedure 2*. Imam Sadiq University (a.s.).
- Amid Zanjani, A. A. (1989). *Jurisprudential Foundations of the Generalities of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Academic Jihad.
- Ansari, B. (2012). *Privacy Rights*. SAMT.
- Ansari, M. (2012). Human Rights and Human Dignity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Public Law Research Quarterly*, 14(2), 139-157.
- Ardebili, M. A. (2010). *General Criminal Law (Vol. 5)*. Mizan.
- Asghari, S. (2013). *The Islamic Criminal System and Response to Doubts*. Kayhan Publications Organization.
- Attarzadeh, S., & Jahangirpour, A. (2018). The Role of Police in the Conflict Between Respecting Citizen Rights and the Rule of Prohibiting Vice. *Informational and Criminal Research*, 13(1, Serial 49), 137-156.
- Bashiriyeh, H. (2015). *Analysis of the Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*. Ney.
- Derakhshān, H. (2007). Economic Ideas in Laws. Collection of Articles from the Subsidies Management Conference.
- Eftekhari, A. A. (2005). *Expediency and Politics with an Islamic Approach*. Imam Sadiq University (a.s.).
- Farah Bakhsh, M. (2013). *Utilitarian Criminalization*. Mizan.
- Fazel, M. (1989). *Al-Nāfi' li-Yawm al-Ḥashr fī Sharḥ Bāb al-Ḥādī 'Ashar (The Beneficiary for the Day of Resurrection in the Commentary on the Eleventh Chapter)* (Vol. 1). Allameh Bookstore.
- Firūzābādī, M. i. Y. (1963). *Baṣā'ir Dhawī al-Tamyiz fī Laṭā'if al-Kitāb (Insights of the Discerning in the Subtleties of the Book)*.
- Gorji, A. (1993). *Legal Articles (Vol. 1)*. University of Tehran Printing and Publications Institute.
- Hilli, A. H. i. Y. i. M. (1992). *Mokhtalef al-Shi'a fī Ahkam al-Shari'ah (The Differences Among the Shi'a in the Rulings of Sharia)*. Islamic Publications Office.
- Ismaili, M. (2009). *Promoting Virtue and Prohibiting Vice in the Constitution*.
- Izadehī, S. S. (2011). *Jurisprudential Foundations of Oversight on Power from the Viewpoint of Imam Khomeini*. Orouj.
- Jurjani, M. (1998). *Al-Ta'rifat (Definitions)* (Translated by H. Seyyed Arab and S. Nourbakhsh ed.). Forouzan Rouz Publishing and Research.
- Keikha, N. (2010). *Social Justice*. Kanun-e Andisheh Javan Publications.
- Kheiri, H. (2015). A Sociological Study of the Law on the Protection of Promoters of Virtue and Prohibitors of Vice. *Iranian Social Issues Review*, 6(2), 237-262.
- Khomeini, S. R. (2022). *Kitab al-Bay' (The Book of Sale)*. Isma'iliyan Institute.
- Mahmoudi, J. (2006). De-Judicialization and Decriminalization from the Perspective of the Constitution and Administrative Law. *Specialized Journal of Theology and Law, Razavi University*, 6(19).
- Majlisi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar (Oceans of Lights)* (Vol. 75 & 100). Al-Wafa Institute.
- Mesbah Yazdi, M. T. (2001). *Another Flash from the Sky of Karbala*. Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Mogheisi Nia, A. (2013). *Causes and Factors for the Non-Implementation of Article 8 of the Constitution* Islamic Knowledge University of Qom].
- Motahari, M. (1992). *Collected Works (Vol. 3)*. Sadra Publications.
- Motahari, M. (1996). *Commentary on Manzumeh*. Sadra Publications.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2005). *Tahrir al-Wasilah (The Liberation of the Means)* (Vol. 1). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Najafi, M. H. (1972). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islam* (Vol. 21). Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Ne'matollahi, I. (2000). The Scope of Governmental Rulings. *Qabasat Quarterly*(15 & 16), 31.
- Nouri, H. (1996). *Promoting Virtue and Prohibiting Vice* (Translated by M. Mohammadi Eshtehardi. 5th ed.). Islamic Propagation Office of the Seminary.
- Nuri Tabarsi, M. H. (1987). *Mustadrak al-Wasā'il wa Mustanbat al-Masā'il* (Vol. 12). Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.
- Qazi Shariat Panahi, A. (2003). *Essentials of Constitutional Law*. Mizan.
- Qorbani Lāhijānī, Z. (2000). *The Obligation of Promoting Virtue and Prohibiting Vice*

- from the Viewpoint of the Quran and Sunnah*. Al-Hadi.
- Rabi'ei, M. (2019). The Concept and Scope of Privacy in the Iranian Legal System. *Public Law Research Journal*, 21(1), 69-85. <https://doi.org/10.30933/KPLLR.2019.85.21>
- Raghib Isfahani, H. i. M. (1983). *The Singular Words of the Quran*. Dar Nashr al-Kitab.
- Rajabzadeh, A. (1992). Socialization and Social Order. *Roshd Oloum-e Ejtemā'i (Growth of Social Sciences) Journal*, 3(11 & 12).
- Safaei, M. (2017). A Legal Review of Article 5 of the Law on the Protection of Promoters of Virtue and Prohibitors of Vice. *Public Law Quarterly*, 20(2), 55-70.
- Tabatabaei Mo'tameni, M. (1991). *Public Freedoms and Human Rights*. University of Tehran.
- Tawhidi, A. (2007). *A Reflection on the General Principles of the System of Public Rights and Freedoms in the Constitution of the Islamic Republic of Iran*.
- Tullābaki, A., & Aslani, F. (2015). Rereading the Legal Foundations of Promoting Virtue and Prohibiting Vice with a View to Contemporary Human Rights. *Islamic Law*, 12(47), 33-50.
- Vakil Amir, S., & Askari, P. (2013). *The Constitution in the Current Legal Order*. Majd.
- Valizadeh, M. J., & Dowlat, M. A. (2024). Pathology of the "Law on the Protection of Promoters of Virtue and Prohibitors of Vice" with Reference to Article 8 of the Constitution. *Scientific-Research Quarterly of Culture Strategy*, 17(66), 127-160.
- Ziyae, B. (2009). *Public International Law*. Ganj-e Danesh.